



بیانات رهبر انقلاب در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ - ۱۹ دی/۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به همهی برادران و خواهران، جوانان عزیز قم، روحانیون، طلاب محترم، علمای بزرگوار، که به این مناسبت بسیار مهم، بار دیگر فضای حسینیه‌ی ما را سرشار کردید از شور و عاطفه و احساس و تعقل. یاد آن خاطره‌ی فراموش‌نشده‌ی ما، نوزدهم دی ماه ماندگار در تاریخ را، بار دیگر زنده کردید. و تشکر میکنیم از برنامه‌ای که اجرا شد؛ سرود خوش‌مضمونی که برادران و خواهران تکرار کردید و خواندید.

مسئله‌ی نوزدهم دی و به یاد نگهداشتن این خاطره، يك مسئله‌ی صرفاً تکراری یا برخاسته‌ی از عادت نیست؛ يك مسئله‌ی اساسی و اصولی است. همه‌ی مناسبت‌های بزرگ تاریخی ما همین طور است. اولاً نسل جوان و جدید که مسئولیت جوانان آن روز را امروز بر دوش گرفته‌اند، ریشه‌ی تاریخی و سابقه‌ی تاریخی حرکت خودشان را با این یادآوری‌ها می‌شناسند، آن را احساس میکنند؛ ثانیاً قدر مجاهدتهائی که برای رسیدن ملت ایران به امروز تحمل شده است، سختی‌هائی که تحمل شده، خطرهای که مردم با آن سینه به سینه مواجه شده‌اند، دانسته میشود؛ اینها بیان میشود، روشن میشود که آنچه امروز ملت ایران در اختیار دارند، يك نعمت آسان به دست آمده نیست؛ يك حادثه‌ی تصادفی نیست. «رو خطر کن ز کام شیر - باید گفت ز کام گرگ - بجوی». ملت ایران خطر کردند، زحمت کشیدند، جان دادند، در مقابل پلیس شقی جبار رژیم طاغوت ایستادگی کردند، کشته دادند، شهید دادند، مجروح دادند، تا توانستند این کاروان عظیم مصمم بااراده را به راه بیندازند و به اینجا برسانند. این هم نکته‌ی دوم. نکته‌ی سوم، درسی است که ما امروز میگیریم. جوانهای عزیز ما آن روز را ندیدند؛ نمیدانند آن روز چه خبر بود. آنهایی که درک کردند، میدانند؛ آن روز ایستادگی در مقابل قدرت ظاهری پر کبکبه و دبدبه‌ی رژیم طاغوت، کار آسانی به نظر نمی‌آمد. اگر به خیلی از این مصلحت‌اندیشان اسیر ظواهر گفته میشد که ملت ایران - به نمونه‌ی مردم قم - میخواهند در مقابل نظام طاغوت پهلوی بایستند و آن را از بین ببرند، پوزخند میزدند؛ میگفتند مگر میشود؟ اما شد. آن چیزی که به نظر محال می‌آمد، هم ممکن شد، هم محقق شد، هم ماندگار شد. این، درس است.

امروز هم ملت ایران آرمانهایی دارد، داعیه‌هائی دارد، حرفهای بزرگی دارد؛ هم برای کشور خودش، هم برای دنیای اسلام، هم برای عالم بشریت. در مقابل ملت ایران هم گرگهای گرسنه، سبعمهای افسارگسیخته، این کمپانی‌های زر و زور، این مجموعه‌های دنیاطلب دنیاپرست صف کشیده‌اند؛ اسلحه میسازند، اسلحه صادر میکنند، جنگ می‌افروزند، سازمان ملل را با میل و اراده‌ی خودشان میچرخانند؛ هر جا میخواهند، افراد نظامی میبرند؛ جنایت میکنند، از ظلم حمایت میکنند، از صهیونیستهای غاصب حمایت میکنند؛ ظلم میکنند در جامعه‌ی بشری، با قدرت ظاهری، با کبکبه و دبدبه‌ی ظاهری؛ از قبیل همانی که نمونه‌اش را در دوران طاغوت در ایران میدیدیم. امروز هم يك عده‌ای میگویند: آقا مگر میشود در مقابل این صف به‌هم‌پیوسته‌ی دشمنان مسلح به پول و زور و رسانه و اقتصاد و سیاست و همه چیز ایستاد؟ مگر میشود پیش برد؟ امروز هم همان حرف است. این يك تجربه است.

بله، این حرف ما نیست؛ این حرف قرآن است: اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است؛ «و لو قاتلكم الذین كفروا لولوا الأذبار ثم لا یجدون ولیا و لا نصیرا. ستة الله التی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا». (1) این فقط مربوط به ماجرای جنگ صدر اسلام نیست که «و لو قاتلكم الذین كفروا لولوا الأذبار»؛ ست الله است.

بله، آن وقتی که ما حرف حساب خودمان را بلد نباشیم، ندانیم، یا بلد نباشیم بگوئیم و طرح کنیم، یا پای آن حرف نایستیم، یا وسط راه با وسوسه‌های شیطانی یا وسوسه‌های نفس یا تنبلی‌ها یا سست کنیم، مجاهدت به جایی



نخواهد رسید؛ معلوم است. بحث بر سر آنجائی است که: «لینصرنّ الله من ینصره». (2) دیگر از این تأکید، بالاتر نمیشود. اگر نصرت خدا بکنیم - نصرت خدا با فکر کردن، اندوختن اندیشه‌های ناب، مطرح کردن درست آن در عالم، پای آن ایستادن، تدبیر برای پیشبرد آن به کار بردن، در مقابل خطرات آن سینه سپر کردن - «لینصرنّ الله»؛ خدای متعال حتماً و قطعاً نصرت خواهد کرد. معنای «لینصرنّ» این است؛ یعنی خدا حتماً و قطعاً نصرت میکند. «و من اصدق من الله قیلاً»؛ (3) از خدا راستگوتر کیست؟

ملت ایران اینها را در عمل تجربه هم کرده است. اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوش‌روحیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید می‌روید، ایستادگی کنید، شك نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال و آرزوها و داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه‌ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد. هر کاری دوره‌ای دارد، زمانی دارد؛ در زمان متناسب خود، این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد. ملت ایران به آن نقطه‌ای که مورد نظر اوست، به دنبال آن حرکت کرده است، اهتمام ورزیده است، خواهد رسید؛ راهش مقاومت کردن است.

آن وقت چه اتفاقی می‌افتد؟ مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست. خدای متعال برای اینکه دلها را به تحقق وعده‌های آینده قرص کند، برخی از این وعده‌ها را در کوتاه‌مدت اجرا میکند. خدای متعال به مادر حضرت موسی وحی کرد: «فألقیه فی الیم». بعد فرمود: «اِنا رادّوهُ الیک و جاعلوه من المرسلین». (4) دو تا وعده داد: بچه را در دریا بینداز - نگران نباش - هم به تو برمیگردانیم، هم او را به مقام نبوت و ارسال می‌رسانیم. آن نبوت هم همان نبوتی بود که سالهای متمادی - شاید چند قرن - بنی‌اسرائیل در انتظارش بودند. بعد که حضرت موسی در قصر فرعون به آغوش مادر برگشت، خدای متعال می‌فرماید: «فرددناه الی امّه کی تقرّ عینها و لا تحزن و لتعلم انّ وعد الله حقّ»؛ (5) این وعده‌ی اوّلی را برایش تحقق دادیم، برگردانیم تا بداند وعده‌ی خدا درست است؛ آن وعده‌ی دوم هم محقق خواهد شد.

خدای متعال با ملت ایران اینجوری رفتار کرده است؛ وعده‌های بسیاری را محقق کرده است، کارهای بزرگی انجام گرفته است. جوانهای عزیز! بدانید آن روز هیچ کس باور نمی‌کرد بشود نظام طاغوتی سلطنتی را تکان داد، چه برسد به این که انسان بخواهد آن را از بین ببرد. امروز شما می‌بینید که نظام طاغوتی منفورترین نظامها در دنیای اسلام است؛ از ایران که بکلی از زوال شد و - به قول معروف - به زباله‌دانی تاریخ انداخته شد. آن روز اگر میگفتند که ممکن است ایران از زیر چنبره‌ی سلطه‌ی آمریکا خارج شود، آنهایی که مسائل کشور را میدانستند، به طور قطع و یقین میگفتند چنین چیزی ممکن نیست. همه‌ی امور کشور، همه‌ی سیاستهای کلان کشور در اختیار آمریکائی‌ها بود؛ گاهی حتی در جزئیات دخالت میکردند: چه کسی وزیر فلان وزارتخانه باشد، چه کسی نباشد؛ قیمت نفت این مقدار بالا برود یا نرود. با این تسلطی که آمریکائی‌ها و در حاشیه‌ی آمریکائی‌ها بقیه‌ی اردال و اوباش جهانی بر کشور ما، بر ملت ما، بر منابع ما، بر آبروی ما داشتند، چه کسی باور میکرد که این از بین برود؟ امروز شما می‌بینید در دنیا اگر يك ملت را بخواهند نام بیاورند که مستقل از سیاستهای استکباری آمریکا و امثال آمریکاست، اسم ایران را می‌آورند. ملتهای دیگر به ایران نگاه میکنند، هیجان پیدا میکنند از این ایستادگی، از این صراحت، از این شجاعت، از این استقامتی که ملت ایران به خرج دادند.

همه‌ی دنیای استکبار و دولتهای مستکبر دست روی دست هم گذاشتند، بلکه ملت ایران را تحریم کنند؛ با این



تحریم، ملت ایران را خسته کنند و به ستوه بیاورند. خودشان هم میگویند که ما خواستیم ملت را در مقابل نظام جمهوری اسلامی به ایستگی وادار کنیم تا مسئولان نظام جمهوری اسلامی محاسباتشان عوض شود! این را حالا صریح میگویند. آن اوائل که ما تحلیل میکردیم، به این صراحت نمیگفتند؛ اما حالا میگویند. نتیجه این شده است که شما ملاحظه میکنید ملت ایران روزبهروز گرایشش به مبانی اسلام، به مبانی انقلاب، به ایستگی، به این عزتی که خدای متعال به این کشور داده، بیشتر میشود؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که آنها خواسته‌اند، تحقق پیدا کرده است.

اینها درسهای بزرگی است که خدای متعال به ما داده است؛ و یکی از این نقاط درس، همین نوزدهم دی است که شما قمی‌ها افتخارش را دارید. البته قم فقط این افتخار را ندارد؛ افتخارهای زیادی در تاریخ قم هست. در این نود سال، صد سال اخیر، چشمه‌های جوشان گوارای زیادی از قم سرازیر شد. قمی‌ها بودند که مرحوم حاج شیخ (رضوان الله علیه) را با آغوش باز پذیرائی کردند، او را آوردند و این حوزه‌ی عظیم تشکیل شد. این تربیت الهی و غیر منتظری که در این حوزه انجام گرفت، از برکت همت مردم قم بود؛ حوزه‌ای که کسی مثل امام بزرگوار ما از این حوزه درآمد و این حادثه‌ی عظیم دنیا - نباید گفت حادثه‌ی عظیم این کشور - به وجود آمد. در قضایای سال 42، در قضایای سال 41، در قضایای انقلاب، در قضایای جنگ تحمیلی، قم یک چهره‌ی برجسته‌ی بزرگی دارد که امیدواریم همیشه همین جور بماند.

یک نقطه‌ی مهم - برای شما جوانان عزیز قمی عرض میکنم - در این حرکت این است که انسان با هوشیاری و زیرکی، حرکت‌های دشمن را تفرس کند، زیر نظر بگیرد و هدف‌های دشمن را کشف کند؛ این خیلی مهم است. اگر شما در یک مبارزه‌ی شخصی، در یک دفاع شخصی که در مقابل یک حریف قرار میگیرید، بتوانید حرکت او را پیش‌بینی کنید، هیچ ضربه‌ای نخواهید خورد. اگر حواستان پرت شد، غافل شدید، تمرکز را از دست دادید، به چیز دیگری سرگرم شدید، نتوانستید پیش‌بینی کنید که او چه کار می‌خواهد بکند، حتماً ضربه می‌خورید. دشمن که نخواهید؛ او بیدار است: «و انّ احبّ الحرب الأرق و من نام لم ینم عنه». (6) شما اگر حواست پرت شد، شما اگر از موقعیت خودت غافل شدی، دلیل این نمیشود که دشمنی هم که در مقابل توست، حواست پرت شده باشد؛ او ممکن است حواست جمع باشد، بزند. پس باید حواسها جمع باشد. اینکه ما این همه عرض میکنیم، توصیه میکنیم، تأکید میکنیم، هم به مسئولین، هم به مردم، که خودتان را به مسائل فرعی سرگرم نکنید، برای خاطر این است. اینکه به مطبوعات، به رسانه‌ها، به روزنامه‌ها، به پایگاه‌های اینترنتی که امروز رواج پیدا کرده است، هی سفارش میکنیم که از وارد کردن حرف‌ها و مطالب نادرست - که ذهن مردم را مشغول میکند - به فضای ذهنی مردم پرهیز کنید، به خاطر این است. یک ملت باید درست حواستش را جمع کند، بداند پا کجا میگذارد - تقوای جمعی یعنی همین - بداند چه کار می‌خواهد بکند، مراقب باشد که از کجا ضربه متوجه او میشود. در عمل فردی هم اگر ما تقوا داشته باشیم، اعمال خودمان را مراقبت خواهیم کرد، خودمان را مراقبت خواهیم کرد؛ جایی که پای انسان میلغزد، انسان پا نمیگذارد؛ جایی که خوف سقوط هست، انسان مراقبت میکند. این چیزی است که لازم است.

امروز آنچه بنده تشخیص میدهم - که بررسی حرکات دشمن نشان میدهد - این است: با اینکه ما حدود پنج ماه به انتخابات داریم، ذهن دشمن متوجه انتخابات ماست. انتخاباتی که در خرداد آینده در پیش داریم، از نظر ما مهم است، از نظر دشمن هم مهم است؛ حواستش به آن انتخابات است. اگر میتوانستند کاری میکردند که اصلاً انتخابات انجام نگیرد، این کار را میکردند. خوب، این کار برای آنها میسر نیست، مقدور نیست؛ مایوسند از این که بتوانند این کار را انجام دهند. یک بار بعضی‌ها تلاش کردند که انتخابات مجلس را عقب بیندازند؛ حتی به ما گفتند اگر میشود، دو هفته عقب بیندازید. گفتیم نمیشود؛ انتخابات باید در همان روز خودش انجام بگیرد؛ یک روز هم نباید عقب بیفتد. نتوانستند، دستشان به جایی نرسید. آنها این را تجربه کرده‌اند، میدانند انتخابات عقب‌افتادنی نیست؛ لذا



دنبال راه‌های دیگرند.

یکی از هدفها این است که کاری کنند که انتخابات بدون حضور پرشور و همگانی مردم برگزار شود. این را از حالا همه بدانند: آن کسانی که ممکن است از سر دلسوزی، راجع به انتخابات يك توصیه‌های عمومی بکنند که آقا انتخابات اینجوری باشد، آنجوری نباشد، حواسشان باشد به این مقصود دشمن کمک نکنند؛ مردم را از انتخابات مأیوس نکنند، هی نگویند انتخابات باید آزاد باشد. خب، معلوم است که انتخابات باید آزاد باشد. ما از اول انقلاب تا حالا سی و چند تا انتخابات داشته‌ایم؛ کدامش آزاد نبوده است؟ در کدام کشور دیگر، انتخابات از آنچه که در ایران میگذرد، آزادتر است؟ کجا صلاحيتها ملاحظه نمیشود، که اینجا روی این مسائل هی تکیه بکنند، هی تکیه بکنند، هی بگویند، هی تکرار کنند و یواش یواش این ذهنیت را به خیال خودشان در مردم به وجود بیاورند که خب، این انتخابات فایده‌ای ندارد؟ این یکی از خواسته‌های دشمن است. آن کسانی که در داخل، این حرفها را میزنند، ممکن است غفلت کنند. من میگویم غفلت نکنید، حواستان باشد، کار شما جدول مورد نظر دشمن را پر نکند؛ مقصود او را تکمیل و متمیم نکند. این یکی از راه‌های از شور و هیجان انداختن انتخابات است.

يك مسئله‌ی دیگر این است که به مردم گفته شود، تلقین شود که انتخابات سلامت لازم را ندارد. البته بنده هم تأکید میکنم که انتخابات باید سالم برگزار شود؛ منتها این، راه دارد. در جمهوری اسلامی، در قوانین ما، راه‌های قانونی بسیار خوبی برای حفظ سلامت انتخابات پیش‌بینی شده است. البته کسانی بخواهند از طرق غیر قانونی عمل کنند، خب به ضرر کشور میکنند؛ کم‌اینکه در سال 88 از راه‌های غیر قانونی وارد شدند، کشور را دچار هزینه کردند، برای مردم اسباب زحمت درست کردند، برای خودشان هم اسباب بدبختی و سرشکستگی در زمین و در ملاً اعلی شدند. راه‌های قانونی خوبی وجود دارد. بله، بنده هم اصرار دارم که انتخابات باید با سلامت کامل، با رعایت امانت کامل انجام بگیرد. مسئولین دولتی و مسئولین غیر دولتی که در کار انتخابات دست‌اندرکارند و مسئول هستند، همه باید طبق قانون، با دقت کامل، با رعایت کمال تقوا و پاکدستی عمل کنند تا انتخابات سالمی پیش بیاید؛ و مطمئناً هم چنین خواهد شد.

یکی از راه‌ها هم این است که سعی کنند در ایام انتخابات، سر مردم را به يك چیز دیگری گرم کنند؛ يك حادثه‌ای پیش بیاورند، يك ماجرائی درست کنند؛ يك ماجرای سیاسی، يك ماجرای اقتصادی، يك ماجرای امنیتی. البته این هم جزو نقشه‌های دشمن است، اما بنده مطمئنم که ملت ایران بسیار بصیرتر و باهوش‌تر از این است که با يك چنین ترفندهای خصمانه‌ی دشمنان یا عوامل دشمنان فریب بخورد؛ نه، ان‌شاءالله انتخابات به اذن‌الله، به حول و قوه‌ی الهی، به فضل پروردگار، انتخابات خوب و پرشوری خواهد شد.

البته در باب انتخابات، بنده زیاد حرف دارم. اگر عمری بود، در آینده راجع به انتخابات باز صحبت خواهم کرد. توصیه‌ها، حرفها و نکاتی وجود دارد، اما حالا به همین اندازه اکتفاء میکنم. توجه داشته باشید؛ انتخابات يك حق است و يك وظیفه است. ما هر کدامان به عنوان يك فرد از افراد این ملت، هم حق داریم در انتخابات شرکت کنیم، هم وظیفه داریم. آن کسانی که به نظام جمهوری اسلامی معتقدند، قانون اساسی را قبول دارند، هم از این حق میخواهند استفاده کنند، هم این وظیفه را میخواهند انجام دهند. همه باید این وظیفه را انجام دهند. یکی وظیفه‌اش این است که بیاید صلاحيتهاهای خودش را در معرض انتخاب مردم قرار دهد. هر کسی که در خود صلاحيتهای احساس میکند و کار اجرائی بلد است، می‌آید و خود را در معرض انتخاب مردم میگذارد. اداره‌ی مملکت و کار اجرائی، کار کوچکی نیست. کارهای بزرگ و بارهای سنگینی بر دوش مجریان سطوح بالاست. ممکن است کسانی که در سطوح دیگری کار میکنند، ابعاد این سنگینی را هم بعضاً تشخیص ندهند که چقدر این بار سنگین است. آن کسانی که وارد میدان میشوند، باید کسانی باشند که در خود توانائی کشیدن این بار را بیابند؛ صلاحيتهاهای را هم که در قانون اساسی است و شورای محترم نگهبان بر روی آنها تکیه خواهد کرد، در خودشان ملاحظه کنند و واقعاً وابسته و



دلبنده‌ی به نظام و قانون اساسی باشند؛ بخواهند قانون اساسی را اجرا کنند؛ چون رئیس جمهور سوگند می‌خورد که قانون اساسی را اجرا کند؛ قسم دروغ که نمیشود خورد. کسانی که این را احساس میکنند، در آن میدان می‌آیند؛ کسانی هم که نه، قصد ندارند در این صحنه حاضر شوند، در صحنه‌ی انتخاب کردن و کمک به پرشور شدن انتخابات شرکت خواهند کرد.

من به شما عرض میکنم؛ با اعتمادی که ما به وعده‌ی الهی داریم - و وعده‌ی الهی حق است و صدق است - بدون تردید خدای متعال این ملت را، هم در این مرحله، هم در همه‌ی مراحل آینده، بر دشمنانش پیروز خواهد کرد. خدا را شکر میکنیم که ما را دچار سوءظن به خودش نکرد؛ «الظانین بالله ظنّ السوء»؛ (7) ما را از اینها قرار نداد. ما به وعده‌ی الهی حسن ظن داریم، به وعده‌ی الهی اعتماد داریم. از طرفی می‌بینیم که خدای متعال وعده‌ی نصرت داده است، از طرفی هم انسان این مردم را مشاهده میکند؛ حضورشان، علاقه‌شان، همتشان، اخلاص این جوانها، پاکی این جوانها، پدر و مادرهای مؤمن و علاقه‌مند در سطح کشور، در همه‌ی قشرها، با همه‌ی شکلها و ظواهر. انسان مشاهده میکند که این ملت، ملتی است که بحمدالله در صحنه است.

از خداوند متعال درخواست میکنیم به شما مردم عزیز قم، به حوزه‌ی علمیه‌ی معظم قم، رحمت و لطف و توفیق و عاقبت خودش را نصیب بفرماید. روح مطهر امام بزرگوار ما را که این راه را به روی ما گشود، با اولیائش محشور کند. ارواح طیبه‌ی شهیدان عزیز ما را که در این راه فداکاری کردند، و همچنین همه‌ی مجاهدان راه حق را مشمول رحمت و برکت و فیض خود قرار دهد و ما را در این راه ثابت قدم بدارد. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

1) فتح: 22 و 23

2) حج: 40

3) نساء: 122

4) قصص: 7

5) قصص: 13

6) نهج البلاغه، نامه‌ی 62

7) فتح: 6